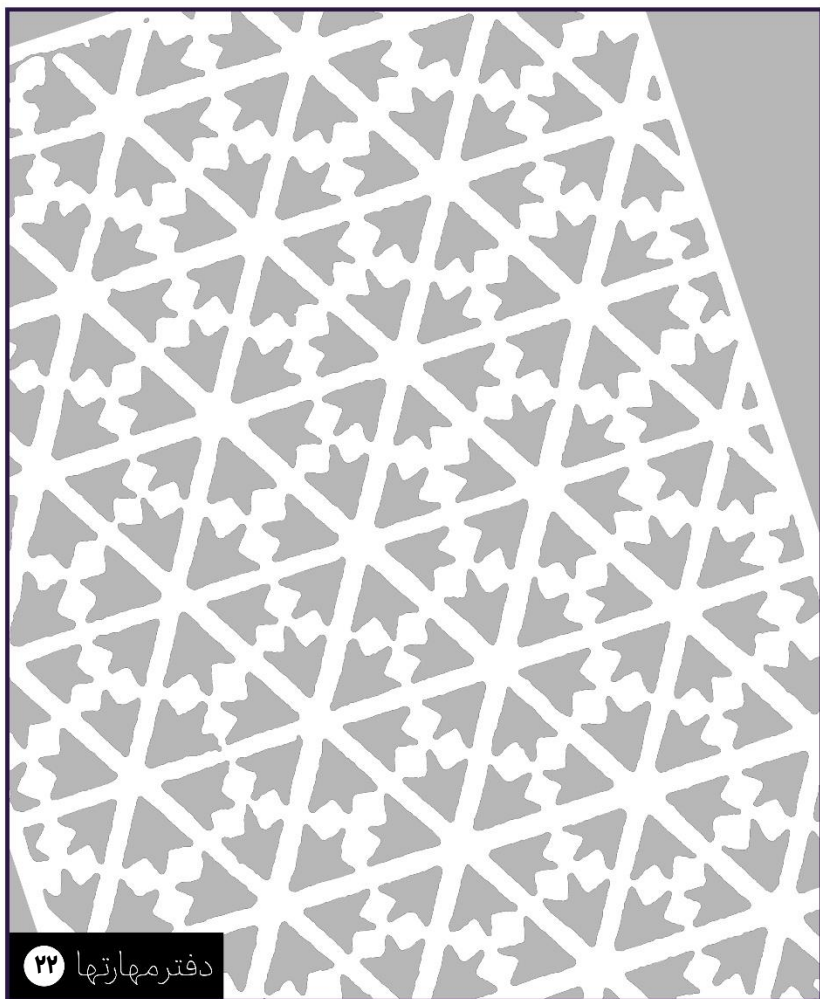




دفتر مهارت‌ها ۲۲

روش تحصیل و مطالعه فقه (لمعه)

مدرسه علمیه امراللهی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

برای پی بردن به روش فقهی و اجتهادی شهید اول و شهید ثانی به خصوص در لمعه و شرح آن باید یک سری از مؤلفه های اساسی در استنباط را در سیر مباحث این دو بزرگوار در لمعه و شرح آن پیگیری کنیم تا به روش های ایشان در اجتهاد و استنباط احکام شرعی دست یابیم.

برای رسیدن به اینکه فقه شهید اول و شهید ثانی در مکتب شیعه چه جایگاهی دارد ابتدا باید سیری در تاریخ فقه کرد تا ببینیم ایشان در چه جایگاه و موقعیت تاریخی فقه قرار داشته اند تا مرزبندی افکار و عقایدشان با دیگر علما و ضوح بیشتری پیدا کند.

شهید اول شاگرد فخر المحققین محمد بن یوسف فرزند علامه حلی است و در طول عمر با برکت خود کتابهای فقهی بسیار مفیدی را عرضه نموده است که با توجه به تسلط ایشان بر مبانی اهل سنت به مبانی ایشان غنای علمی زیادی بخشیده است. اگر چه در کتب فقهی خود از آرای اهل سنت دوری می کرده و بنابر نظر محدث نوری «اول من هذب کتاب الفقه عن نقل أقاویل المخالفین» [خاتمه مستدرک: ج ۲ ص ۳۰۶] ولی همین تسلط بر مبانی اهل سنت تأثیر ویژه ای در فهم روایات داراست.

شهید ثانی نیز به مانند شهید اول سفرهایی به شهرهای اسلامی داشته و کتب اهل سنت را نزد علمای اهل سنت فرا گرفته و اول فقیهی است در شیعه که با اقتباس از کتب اهل سنت در علم

درایه کتاب نگاشته و تمهید القواعد را هم با توجه و اقتباس از کتب اهل سنت عرضه نموده است ولی ایشان نیز در کتب فقهی خود همانند شهید اول نسبت به آرای اهل سنت بی اعتنا بوده و در زمینه فقه مقارن که در زمان قدما مرسوم بوده کتابی ننوشته است و کتب فقهی و قواعد فقهی و اصولی این دو شهید بزرگوار تا به الآن زینت بخش مجامع علمی حوزه‌ها است.

روش اجتهادی شهیدین

برای به دست آوردن روش اجتهادی هر فقیهی ابتدا باید کیفیت تعامل و برخورد آن فقیه با منابع استنباط احکام شرعی را بررسی نمود تا رشو استنباط و استخراج احکام از منابع توسط آن فقیه روشن شود.

شهید اول در کتاب القواعد و الفوائد منابع احکام را چهار چیز می‌داند؛ «مدارک الأحكام عندنا أربعة: الكتاب و السنة و الاجماع و دليل العقل» [قواعد و الفوائد ج ۱ ص ۷۴] با توجه به این نکته ما برای تحصیل روش اجتهادی این دو عالم بزرگ باید کیفیت برخورد ایشان با این ادله و استنباط احکام از این منابع را بررسی نماییم.

دیدگاه شهیدین نسبت به قرآن

دو دیدگاه اصلی در رابطه با ظواهر قرآن و کیفیت استفاده از قرآن در تحصیل حکم شرعی مطرح است:

مکتب اصولی: ظواهر قرآن حجت است و بر هر فقیهی رجوع به قرآن به عنوان اولین منبع لازم است.

مکتب اخباری: ظواهر قرآن به تنهایی حجت نیست و تنها باید به ضمیمه روایات مبین آیات از قرآن استفاده نمود و علت آن را محمد امین استرآبادی در الفوائد المدنیة اینگونه می‌داند که قرآن در بیشتر موارد برای اذهان مردم به صورت معما نازل شده است پس برای مراجعه به آن حتماً مبین می‌خواهد که آن عبارت از روایات است.

شهیدین با توجه به رویکرد اصولیون، ایشان ظواهر را حجت می‌دانند و قرآن را منبع مستقلى برای استنباط می‌دانند. شهید ثانی در بیان شمردن ادله اشاره می‌کند که بعضی از آیات برای فقیه در استنباط لازم است نه همه قرآن «فالدلیل حینئذ منحصر فی الکتاب لاکله بل بعضه و هو قریب من خمسمئة آیه» [رسائل الشہید الثانی ج ۲ ص ۷۸۳]

ولی اصولی‌ها و به تبع آنها شهیدین در مقام عمل تفاوت چندانی با اخباری‌ها ندارند و از قرآن حداقل بهره را می‌برند همانطوری که شیخ انصاری از قول نراقی می‌گوید «هیچ آیه‌ای در قرآن چه راجع به اصول باشد چه فروع وجود ندارد مگر اینکه در بیانش یا در حکم موافق با آن روایت یا روایات زیادی وارد شده است» [فوائد ج ۱ ص ۱۵۵]

دیدگاه شهیدین نسبت به روایات

علمای شیعه نسبت به استفاده از روایات دو رویکرد اصلی دارند:

وثوق خبری: در این رویکرد که مشهور علمای شیعه به خصوص قدمای اصحاب به آن باور دارند سند روایت به عنوان رکن اصلی پذیرش روایت نیست و قرائن و شواهد دیگر، متن حدیث، اجماع و شهرت و ... و به طور کلی به تعبیر محقق حلی در المعتمر «فما قبله الأصحاب أو دلت القرائن علی صحته عمل به» [المعتمر ج ۱ ص ۲۹] به هر روایتی که شواهد و قرائن بر صحت آن

باشد عمل می‌شود و مهم در این رویکرد اطمینان و وثوق به خود خبر و صدور آن از معصوم است که از آن به وثوق صدوری نیز تعبیر می‌شود.

وثوق مخبری: در این رویکرد توجه ویژه‌ی اصلی به راویان حدیث و سلسله سند روایت و طریق به معصوم است البته بدین معنی نیست که قرائن و شواهد در این رویکرد نادیده گرفته می‌شود بلکه رکن اصلی پذیرش روایت به نظر این عده از علما بررسی سندی روایت است و بقیه قرائن و شواهد در تأیید یا رد سند لحاظ می‌شود و محوریت اساسی با سند و راویان احادیث است و حجت تعبدی خبر واحد که بعد از شیخ طوسی در مجامع علمی حوزه مورد پذیرش واقع شد در به ثمر نشاندن این رویکرد تأثیر ویژه‌ای گذاشت.

علمای هر یک از این دو رویکرد به فراخور دیدگاه خود روایات را تقسیم بندی کردند. کسانی که اعتقاد به مبنای اول داشتند پذیرش و عدم پذیرش خبر برایشان موضوعیت داشت بالطبع خبر را به دو قسم صحیح و ضعیف تقسیم می‌کردند و خبر صحیح نزد آنان خبری بود که می‌توان به آن عمل کرد و آن را پذیرفت ولو در سند روایت ضعیفی باشد و حدیث ضعیف حدیثی است که نمی‌توان آن را قبول کرد ولو سند روایت قوی و صحیح باشد ولی در رویکرد دوم با توجه به تقسیم بندی احمد بن طاووس استاد علامه حلی روایت بر اساس سند به چهار قسم تقسیم می‌شود:

۱. صحیح: روایتی که تمام افراد سند امام و عادل باشند.
۲. حسن: یک یا چند راوی امام ممدوح باشند.
۳. موثق: یک یا چند راوی غیر امامی عادل یا مورد وثوق باشند.
۴. ضعیف: روایتی غیر از سه قسم بالا باشد.

می بینیم که صحیح و ضعیف در این دیدگاه با توجه به سند روایت لحاظ می شود. حال می خواهیم دیدگاه شهیدین را بررسی نماییم:

شهید اول اعتنایی به سند روایت دارد ولی با توجه به مباحث ایشان در کتب فقهی به این مسئله دست می یابیم که ایشان قائل به وثوق خبری است و سلسله سند تنها به عنوان قرینه برای قبول روایت است به یک نمونه اشاره می کنیم:

روی عمار عن أبي عبدالله عليه السلام «بلغ الغلام والجارية بثلاث عشرة» والسند ضعيف. [ذکری ج ۲ ص ۳۱۶] و در برخی موارد شهرت عملی را قرینه تقویت خبر بیان می کند و به قرائن دیگر توجه زیادی ندارد.

در مقابل شهید ثانی معتقد به وثوق مخبری است و به تقسیم علامه حلی به تبع استادش (احمد بن طائوس) شدیداً مقید است و در مورد سند روایت سخت گیری بسیاری دارد و اگر در سلسله سند روایت ضعیفی باشد آن روایت را نمی پذیرد و بقیه قرائن مانند شهرت و ... نمی توانند در پذیرش روایت که سندش ضعیف است کمکی کنند. در بسیاری از مسائل فقهی حکم آن مسئله را به خاطر ضعف در سند روایت رد می کند و قبول نمی کند و این نکته در شرح لمعه ایشان نیز مشهود است. نمونه ای از آن:

در لمعه در مورد زنی که نذر کرده چهار دست و پا طواف کند شهید اول با استناد به روایتی این نذر را صحیح می داند ولی شهید ثانی با توجه به ضعف راوی در سند این روایت خدشه می کند و این نذر را باطل می داند.

دقت نظر و کنکاش سند روایت بعد از ایشان توسط مقدس اردبیلی و فرزند ایشان حسن ب زین الدین صاحب معالم و نوه دختری ایشان (سید محمد موسوی صاحب مدارک) به اوج خود رسید

و بسیاری از روایات از دایره حجیت خارج شد و زمینه ساز حرکت اخباری‌گری و تسامح و تساهل در پذیرش روایت شد.



احراز مسند افتا و تربیت انسانهای صالح برای افتا،
تربیت مدرّس،
انجام تحقیقات برای پیشرفتهای علمی،
مسأله‌ی قضا در جامعه
و مسأله‌ی تبلیغ؛
این پنج مأموریت، کاری است که دم دست است.
البته حوزه کارهای دیگر هم دارد و خیل از کارهای
مهم را میتواند و باید انجام بدهد؛ ولی این پنج
مأموریت، دم دسته و حتمی است.

۱۳۶۹/۱۱/۰۴ دیدار مجمع نمایندگان طلاب و فضلای حوزه علمیه قم

مدرسه علمیه امراللهی (ره)

قم - بلوار شهید آیت الله صدوقی رحمۃ الله علیه کوچه ۲۱/۱

www.meamr.ir | @meamr

۳۲۹۴۴۸۵۷ - ۳۲۹۰۳۴۲۳